



Fundamentals of Human Rights and Challenges of Punishing Insults to Divine Religions, Islamic Sects and Ethnicities in Iranian Law

Daruosh Khodaie Kahriz¹, Jamal Beigi^{2*}

1. Ph.D. student of criminal law and criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

2. Associate Professor, Educational Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 73-90

Article history:

Received: 31 Mar 2025

Edition: 28 Apr 2025

Accepted: 2 Jun 2025

Published online: 22 Jun 2025

Keywords:

Insults to ethnicities, criminalization principles, divine religions, Islamic sects.

Corresponding Author:

Jamal Beigi

Address:

Iran, Maragheh, Islamic Azad University, Maragheh Branch, Department of Criminal Law and Criminology.

Orchid Code:

0000-0001-7031-5874

Email:

Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: In the human rights space, good coexistence is considered one of the basic principles. In line with this principle, insulting sacred places, religions, and ethnicities is one of the issues that confronts this principle with fundamental challenges. The purpose of the present study is to explain the principles and challenges of punishing insulting sacred places, Islamic religions, and ethnicities.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: In line with the dignity-based criminal policy, the legislator has taken steps to punish insults to sacred places, divine religions, Islamic sects, and ethnicities. The main basis for punishing these behaviors is the principle of respect for the inherent dignity of man. On the other hand, punishing these behaviors within the framework of the human rights system faces challenges such as interference with the right to freedom of expression.

Conclusion: The Iranian legislator's approach to insulting religions, sacred places, and ethnicities before 2010 was very vague and vague, despite the existence of coherent jurisprudential and human rights foundations; however, in 2010, and in the form of the approval of Article 499 of the Islamic Penal Code, the legislator's criminal policy became explicit, transparent, and in line with current needs.

Cite this article as:

Khodaie Kahriz D, Beigi J. Fundamentals of Human Rights and Challenges of Punishing Insults to Divine Religions, Islamic Sects and Ethnicities in Iranian Law. *Jurisprudential Research on Human Rights*. 2025.



دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

مبانی حقوق بشری و چالش‌های کیفرگذاری توهین به ادیان الهی، مذاهب اسلامی و قومیت‌ها در حقوق ایران

داریوش خدایی کهریز^۱، جمال بیگی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

۲. دانشیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در فضای حقوق بشر، حسن همزیستی یکی از اصول مبنایی محسوب می‌گردد. در راستای این اصل، توهین به مقدسات، ادیان و قومیت‌ها یکی از مسائلی است که اصل مزبور را با چالش‌های اساسی مواجه می‌کند. هدف پژوهش حاضر تبیین مبانی و چالش‌های کیفرگذاری توهین به مقدسات، مذاهب اسلامی و قومیت‌ها می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: قانون‌گذار در راستای سیاست جنایی کرامت‌مدار اقدام به کیفرگذاری برای توهین به مقدسات، ادیان الهی، مذاهب اسلامی و قومیت‌ها نموده است. مبنای اصلی برای کیفرگذاری رفتارهای مزبور اصل احترام به کرامت ذاتی بشر می‌باشد. از سویی نیز کیفرگذاری برای رفتارهای مزبور در چهارچوب نظام حقوق بشر، با چالش‌هایی از جمله تزاخم با حق با آزادی بیان مواجه می‌باشد.

نتیجه: رویکرد قانون‌گذار ایران در ارتباط با توهین به ادیان، مقدسات و قومیت‌ها تا پیش از سال ۱۳۹۹ علی‌رغم وجود مبانی فقهی و حقوق بشری منسجم، بسیار مجمل و مبهم بود؛ اما در سال ۱۳۹۹ و در قالب تصویب ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی، سیاست جنایی قانون‌گذار، صریح، شفاف و در راستای نیازهای روز گردید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۳-۹۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

توهین به قومیت‌ها، مبانی جرم-انگاری، ادیان الهی، مذاهب اسلامی.

نویسنده مسئول:

جمال بیگی

آدرس پستی:

ایران، مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

کد ارکید:

0000-0001-7031-5874

پست الکترونیک:

Jamalbeigi@iaumaragheh.ac.ir

۱. مقدمه

نظام حقوق بشر برای تضمین حقوق ابناء انسانی طراحی و ارائه شده است. از طرفی نیز یکی از اوصاف جوامع انسانی تنوع فرهنگی، مذهبی، و ... است. در ابتدای شکل‌گیری نظام حقوق بشر بین‌المللی، وصف جهانی بودن، و فراگیر بودن مصادیق حقوق بشر به عنوان یکی از اصول مبنایی حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفت. تأکید بر این اوصاف باعث شد که حقوق اقلیت‌ها و توجه به تنوع جوامع بشری کمرنگ‌تر گردد. این امر منتهی به تأکید بر حقوق اکثریت جوامع و ضرورت هم‌گامی سایر گروه‌ها با طیف اکثریت شد. در دهه هفتاد میلادی با توجه به آغاز تنش‌ها و جنگ‌های داخلی که عموماً ریشه در تفاوت‌های قومیتی و مذهبی داشت، توجه به حقوق اقلیت‌ها و اصل همزیستی مسالمت‌آمیز قدرت گرفت. در سایه این اصل، ضرورت تسامح و تساهل شکل گرفت. جریان مخالف این اصل، با توسل به اصل آزادی بیان و اندیشه، و ضرورت تضمین فضای آزاد برای طرح دیدگاه‌های انتقادی، به صورت ضمنی فضایی برای توهین به اقلیت‌های مذهبی، دینی و قومی ایجاد نمود. نظام‌های حقوق داخلی کشورها اقدام به جرم‌انگاری و کیفرگذاری برای مسئله توهین به اقلیت‌های مذهبی، دینی و قومیتی نمودند. قانون-گذار ایرانی نیز از این اصل مستثنی نبود و در برهه-های زمانی مختلف در فضای حقوق کیفری، سیاست جنایی مختلفی را در ارتباط با این مسئله اتخاذ نمود (بابایی و نیلی، ۱۳۹۰، ۲۱). پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که مبنای و چالش‌های کیفرگذاری برای توهین به اقلیت‌های مذهبی، دینی و قومی در چهارچوب حقوق ایران، مبنای حقوق بشری و فقهی آن چیست؟

فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که، اصل حفظ کرامت ذاتی انسان و سیاست جنایی کرامت محور مبنای اصلی برای کیفرگذاری توهین به ادیان، مقدسات و اقلیت-های قومی محسوب می‌گردد. از طرف نیز اصل آزادی بیان و عدم ضرورت جرم‌انگاری و اتخاذ مواضع کیفری به عنوان چالش‌های این امر محسوب می-گردد. در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توان به مقاله توکلی و همکاران تحت عنوان «مبنای دینی و اصول جرم‌انگاری توهین به مقدسات» اشاره داشت. این مطالعه ضمن بررسی اجمالی شالوده‌های دینی در جرم‌انگاری اهانت به مقدسات، برخی اصول جرم‌انگاری مانند اصل مصلحت عمومی و اصل ضرر را که می‌تواند ضابطه جرم تلقی کردن توهین به باورهای دینی به عنوان ارزشی انسانی و فراملی باشد، مورد تحلیل قرار داده و با توجه به ضرورت جداسازی بحث و انتقاد در جهت حمایت از آزادی بیان از توهین و تمسخر در حمایت از آزادی عقیده و احترام به باورمندان، به چالش‌های جرم‌انگاری توهین به مقدسات پرداخته است. علاوه بر مقاله مزبور می‌توان به مقاله اکبری و نخعی تحت عنوان «توهین به ادیان و قومیت‌ها در پرتو جرم‌انگاری امنیت‌گرا» می‌باشد. از نظر نویسندگان، در سال‌های اخیر مواردی از توهین به اقوام و ادیان و مذاهب، سرآغاز ایجاد تنش و خشونت در جامعه و موجب برهم خوردن نظم و امنیت عمومی بوده است. مقنن در سال ۱۳۹۹ و با دغدغه حفظ امنیت ملی با الحاق ماده ۴۹۹ مکرر به فصل جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، توهین به قومیت‌های ایرانی و ادیان و مذاهب مصرح در قانون اساسی را جرم‌انگاری نمود.

یافته‌ها حاکی از آن است که قانون‌گذار در راستای سیاست جنایی کرامت‌مدار اقدام به کیفرگذاری برای توهین به مقدسات، ادیان الهی، مذاهب اسلامی و قومیت‌ها نموده است. مبانی اصلی برای کیفرگذاری رفتارهای مزبور اصل احترام به کرامت ذاتی بشر می‌باشد. از سویی نیز کیفرگذاری برای رفتارهای مزبور در چهارچوب نظام حقوق بشر، با چالش‌هایی از جمله تراحم با حق با آزادی بیان مواجه می‌باشد.

۵. بحث

در این قسمت ابتدا به مبانی جرم‌انگاری توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی پرداخته خواهد شد.

۵-۱. مبانی جرم‌انگاری توهین به ادیان و اقوام و مقدسات مذهبی

یکی از مباحث قابل طرح در پژوهش حاضر، بررسی مبانی جرم‌انگاری توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی در نظام حقوق کیفری ایران است. قانونگذار حکیم بدون توجه به مبانی خاص، اقدام به جرم‌انگاری و یا حتی جرم‌زدایی رفتارهای دیگران نمی‌نماید (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷، ۱۲). در این خصوص نیز به همین شکل است و لذا مبانی جرم‌انگاری توهین به ادیان و اقوام و مقدسات مذهبی به شرح ذیل است،

۵-۱-۱. اصل مصلحت عمومی

یکی از اصول مهمی که می‌تواند مبانی جرم‌انگاری توهین به اقوام، ادیان و مذاهب اسلامی قرار گیرد، اصل مصلحت عمومی یا همان خیر عمومی است. مصلحت عمومی عبارت است از مصلحت‌هایی که یک شخص به دلیل عضویت در یک گروه سیاسی واجد آن می‌گردد. در واقع مصلحت عمومی با تعدیل منافع

فارغ از ضرورت یا عدم ضرورت پاسخ کیفری در خصوص توهین به ادیان و مذاهب و قومیت‌ها، به نظر می‌رسد جرم‌انگاری صورت گرفته، امنیت گرایانه می‌باشد. نظر به تسری محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌ها در مورد جرایم علیه امنیت به جرم مذکور، مبهم و قابل تفسیر بودن عمل توهین به ادیان و مذاهب و قومیت‌ها، توسعه موضوع جرم با عدم تعیین ضابطه عینی و نیز جرم‌انگاری عنصر مادی جرم به صورت مطلق، قانون‌گذار در تصویب این ماده رویکرد امنیت گرایانه داشته است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمرکز پژوهش‌های موجود بر سیاست جنایی اتخاذی از سوی قانون‌گذار و نیز ضرورت جرم‌انگاری توهین به اقلیت‌های مذهبی و قومیت‌ها می‌باشد؛ حال آن‌که تمرکز پژوهش حاضر بر شناخت چالش‌های پیش‌رو می‌باشد. در واقع پژوهش حاضر نه از روش حل مسئله بلکه از روش شناختی که مقدمه روش حل مسئله می‌باشد تبعیت می‌کند که همین امر نیز نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌گردد.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

می‌دارد، «کرامت انسانی، حیثیت و ارزشی است که تمام انسانها به جهت استقلال ذاتی و توانایی اخلاقی که دارند، به طور ذاتی و یکسان از آن برخوردارند» (Kant, 1993, 258).

در هر صورت امروزه رعایت و تضمین کرامت بشری در بسیاری از قوانین اساسی کشورهای جهان و نیز اسناد و معاهدات حقوق بشری مورد توجه بوده است و از سوی دیگر توان تجلی و ظهور و بروز این ارزش انسانی را در سیاست جنایی کشورها نیز ملاحظه نمود به گونه‌ای که امروزه از لزوم سیاست کیفری کرامت‌مدار سخن به میان آورده می‌شود. در تعریف سیاست کیفری کرامت‌مدار چنین می‌خوانیم، «سیاست کیفری کرامت‌مدار، تعامل کرامت ذاتی انسان با مقررات سیاست کیفری است و از آنجایی که سیاست کیفری به لحاظ تفاوت سیاست جنایی شامل کلیه مراحل مداخله دستگاه کیفر از مرحله جرم‌انگاری تا مرحله اجرای مجازات و حتی پس از اجرای مجازات می‌شود؛ مراد از سیاست کیفری کرامت‌مدار، رعایت کرامت ذاتی انسان در کلیه این مراحل است. بنابراین می‌توان سیاست کیفری کرامت‌مدار را سیاست دانست که در تمام مراحل خود از مرحله جرم‌انگاری تا اجرای مجازات و اعاده حیثیت، کرامت والای انسانی را در رأس اهداف خود قرار می‌دهد و به کرامت ذاتی انسان ارزش و احترام نهد و آن را سرلوحه تمامی برنامه‌های خود قرار دهد» (بابایی و نیلی، ۱۳۹۰، ۴). «رعایت کرامت انسانی در قلمرو حقوق کیفری مهمترین معیار و ملاک مشروعیت قواعد حقوقی کیفری محسوب می‌شود» (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷، ۶۸). پیداست یکی از دلایل و اهداف ضروری و مهم در وضع و تصویب ماده ۴۹۹

فردی ارتباط دارد به گونه‌ای که بهترین نتیجه را برای گروه به دنبال داشته باشد. بر اساس این اصل، دولت می‌تواند در راستای جلب منفعت عمومی و آن-چه به نوعی برای جامعه خیر است و صلاح عموم را در بر دارد و به منظور برقراری نظم و امنیت جامعه، فعل یا ترک فعلی را الزام‌آور نماید و برای نقض آن، ضمانت اجرای کیفری وضع نماید. در جرم‌انگاری بر اساس مصلحت عمومی، محدود کردن آزادی‌های فردی به منظور حفظ و حراست از منافع جمعی مدنظر است. بر این اساس به نظر می‌رسد سیاست جنایی طراحی شده بر اساس مصلحت و خیر عمومی باید در پی تقویت کرامت انسانی باشد. (آقابابایی و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۷) در نتیجه مصلحت عمومی یک اصل کلی است که مقنن باید تابع آن باشد و بسته به نوع مصلحت دست به جرم‌انگاری می‌زند.

۵-۱-۲. حمایت از کرامت بشری

به نظر می‌رسد مهمترین و محوری‌ترین مبنای جرم‌انگاری توهین به ادیان و اقوام و مقدسات مذهبی در چارچوب وضع ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی الحاقی ۱۳۹۹ و ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۶ قانون اصلاحی مطبوعات و... حمایت و تضمین کرامت بشری می‌باشد. «کرامت انسانی مفهومی انتزاعی و متنازع‌فیه است. ارائه تعریفی اجماعی از این مفهوم محوری در حقوق بشر، امری به ظاهر سهل ولی در واقع به غایت دشوار است» (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ۲۶۶-۲۶۵). «هائز کرامت را ارزش ذاتی نمی‌داند و تنها ارزش عمومی انسان می‌داند که از سوی دولت به وی عطا شده است» (Hobbes, 1998, 105). کانت متفکر مشهور آلمانی در تعریف کرامت انسانی چنین اشعار

مکرر قانون مجازات اسلامی الحاقی ۱۳۹۹ نیز حمایت از کرامت بشری قومیت‌های ایرانی و ادیان الهی و نیز مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی می‌باشد. اصولاً هرگونه توهین و تحقیر شخصیت انسانی و بویژه زمانی که گروهی در جامعه در چارچوب مفهوم اقلیت قرار گیرند به نوعی نقض‌کننده کرامت بشری ایشان به شمار می‌آید به گونه‌ای که چنین گروه‌هایی احساس می‌کنند به شخصیت و شعور آنها توهین شده و از این رو خروجی چنین عملی جز آسیب به کرامت بشری پیامدی نخواهد داشت. در واقع «کرامت فردی از منظر آموزه‌های اسلامی برگرفته از این اصل اساسی است که همان‌قدر که توجه به اجتماع در اسلام اهمیت دارد فرد نیز دارای اهمیت است و فرد جدای از جامعه وجود مستقل داشته و شخصیت او بیش و پیش از جامعه و دولت به حساب آمده است.» (نوبهار، ۱۳۸۹، ۱۱۲) و از این جهت بایستی گفت، «در سیاست جنایی کرامت‌مدار بین آزادی، امنیت و کرامت تناقض، تضاد، واگرایی و تنافر غایات و اهداف وجود ندارد و کرامت، تنها حدود آزادی و امنیت را بر مبنای شریعت الهی و منابع آن تحدید می‌کند. لذا این مفاهیم نه تنها متنافی الاجزاء نیستند بلکه مکمل و متمم یکدیگرند» (فروغی و دیگران، ۱۳۹۷، ۵۱). بنابراین نباید به هیچ وجه جرم‌انگاری در چارچوب ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ را منافی اصل مهم آزادی بیان پنداشت بلکه قانونگذار با جرم‌انگاری توهین به اقلیت‌های قومی و مذهبی در پی آن بوده است که مرزها و چارچوب‌های آزادی بیان را مشخص نموده و آن را مقید نماید نه اینکه به دنبال محدود نمودن آزادی بیان باشد. به عبارت بهتر قانونگذار در صدد آن بوده است که با وضع و

تصویب ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی اصل مهم و مترقی حمایت از کرامت بشری را برای همه اقوام و ادیان و مذاهب شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محترم شمارد نه اینکه رعایت کرامت بشری مختص اکثریت قومی و دینی و مذهبی کشور باشد. «از ویژگی‌های مهم سیاست جنایی کرامت‌مند می‌توان به این موارد اشاره نمود که این نوع از سیاست جنایی دارای افقی است که دورنمای آن در سایه کرامت رهنمون انسان به سمت حاکمیت الهی باشد و لذا آزادی در این راستا به معنای رهایی از قید و بند استبداد، استکبار، استعمار و استثمار درونی و بیرونی و بندگی ذات اقدس الله می‌باشد. کرامت انسانی در این سیاست جنایی به عدالت‌گره خورده است به گونه‌ای که بدون تحقق عدالت، کرامت انسانی نیز به مخاطره خواهد افتاد» (فروغی و دیگران، ۱۳۹۷، ۵۴). پیداست در چارچوب چنین سیاست جنایی و در پرتو آموزه‌های ارزشمند الهی و اسلامی توهین به اقوام، ادیان و اقلیت‌های مذهبی هیچ‌گونه جایگاهی نخواهد داشت.

۵-۱-۳. حفظ وحدت ملی

یکی دیگر از مبانی مهم جرم‌انگاری توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی شناخته شده لزوم حفظ وحدت ملی می‌باشد. «در جوامعی که تعدد زبان، مذهب و یا نژاد وجود داشته باشد، خواه و ناخواه، مسأله تعدد قومیت‌ها مطرح می‌شود. در این صورت، وحدت ملی و پراکندگی قومی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و حتی مسائل و مشکلاتی همچون جدایی‌طلبی را پدیدار می‌سازند... قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با در نظر گرفتن واقعیت‌های قومی، نژادی و مذهبی، حقوق و امتیازاتی را برای

اقلیت‌ها پیش‌بینی نموده است. ۱- تساوی تمام اقوام و قبایل و برخورداری از حقوق مادی و رد هرگونه امتیاز به سبب رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها. ۲- حق استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و مدارس ۳- رسمیت مذاهب غیرشیعه و ادیان توحیدی و احترام لازم به تمام حقوق اقلیت‌های مذهبی و دینی» (هاشمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ۲۱۳-۲۱۲). پیداست هرگونه توهین به اقلیت‌های دینی، قومی یا مذهبی نقش مهم و بسزایی در نقض وحدت ملی کشور به همراه خواهد داشت امری که مغایر اهداف والای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و به همین منظور قانونگذار با درک درست و دقیق از اهمیت وحدت ملی کشور با جرم‌انگاری توهین به اقلیت‌های دینی، قومی و مذهبی گام بلندی در حفظ وحدت ملی برداشته است.

۵-۱-۴. حراست از امنیت ملی

از دیگر مبانی مهم جرم‌انگاری توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی، حراست از امنیت ملی می‌باشد. امنیت از مهمترین و اساسی‌ترین نیازها و الزامات زندگی انسان امروزی است به گونه‌ای که رعایت و تضمین آن جزو اولویت‌های مهم و اولیه هر حکومتی به شمار می‌آید. «از این رو ایجاد امنیت در شئون مختلف زندگی مردم به خصوص در حکومت اسلامی برای رسیدن به آنچه مایه رشد و تعالی آنان است، از وظایف اساسی و اولی دولت اسلامی است تا مردم در عمل و با دست به یکدیگر هجوم نکنند؛ از نظر زبان و بالاتر از نظر اندیشه و فکر در امان باشند و هرکس احساس کند که دیگری حتی در منطقه افکار خود، تیرهای تهمت و دشنام را به سوی او نشانه‌گیری نمی‌کند. در واقع، چنین امنیت، امنیت عقیده و

آزادی در مراسم دینی است که از حقوق مسلم هر مسلمان به شمار می‌رود و ضرورت دارد از سوی دیگر، چه افراد مسلمان و چه غیرمسلمان محترم شمرده شود. از سوی دیگر دین اسلام در هیئت یک مکتب تنها امنیت عقاید مسلمانان را لازم نمی‌داند، بلکه اهل کتاب را پس از التزام به شرایط جزیه عضوی از جامعه اسلامی دانسته و امنیت عقاید و مراسم دینی آنان را مانند جان، مال و ناموس آنان امری بایسته و الزامی می‌داند و حتی امنیت مشرکان پناه‌جو را نیز لازم و ضروری می‌شمارد» (کوشا و احمدزاده، ۱۳۹۴، ۱۳۸). به عبارت بهتر چنین می‌توان گفت، «امنیت کالایی عمومی است که تأمین آن از وظایف دولت‌ها است و ضرورت اساسی ایجاد و تأسیس دولت، استقرار و حفظ امنیت در اجتماع است» (اشتراوس، ۱۳۷۳، ۶۲). در این چارچوب به نظر می‌رسد جرم‌انگاری مقرر در ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی اقدامی در راستای تأمین امنیت اقلیت‌های قومی، دینی و مذهبی و فراتر از آن حفظ و حراست از امنیت ملی کشور می‌باشد. در واقع هرکس در راستای ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید در صورتی که عمل ارتكابی چنین شخصی منجر به خشونت یا تنش شود آیا نمی‌تواند برهم زننده امنیت ملی کشور باشد؟ آیا چنین اقدام مجرمانه‌ای نمی‌تواند منجر به سلب و آسایش عمومی جامعه و واجد پیامدها و آثار ناگوار و غیرقابل پیش‌بینی باشد؟ بر همین اساس می‌باشد که جرم‌انگاری در چارچوب ماده فوق‌الذکر اقدامی درست و دقیق و در راستای حراست از امنیت ملی

افراط‌گرایی و توسل به خشونت خود نتیجه‌ای جز سلب امنیت و آسایش عمومی در جامعه را نخواهد داشت.

۵-۱-۵. سیاست اصولی نظام جمهوری اسلامی ایران

از دیگر مبانی مهم جرم‌انگاری توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی شناخته شده به سیاست اصولی نظام جمهوری اسلامی ایران بر می‌گردد که بر لزوم عدم توهین به ادیان، اقوام و بویژه اقلیت‌های مذهبی تأکید می‌کند. براساس قسمت انتهایی اصل یکصد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. «بدین ترتیب است که رهبر در مقام ریاست و حاکمیت کشور، در رأس هرم نظام قرار می‌گیرد و آنگونه که قانون اساسی مشخص نموده، احکام و دستوراتش نافذ و لازم‌الاتباع خواهد بود» (هاشمی، ۱۳۹۰، ج ۲، ۴۸-۴۷). مقام رهبری در جایگاه عالی‌ترین مقام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی‌ها و فتاوی‌ خویشتن به تبیین سیاست‌های اصولی نظام می‌پردازند و از این رو در برهه‌های مختلف زمانی موضع نظام جمهوری اسلامی ایران را در خصوص اقلیت‌های مذهبی روشن نموده‌اند. ایشان در دیدار با هیئت امناء دانشگاه مذاهب اسلامی در مورخه ۱۳۸۰/۱۲/۲۱ هجری شمسی چنین بیان داشتند، «من با سب مخالفم، واقعاً وجهی هم برای سب کردن نمی‌بینم. این ادله‌ای که بعد از این چند سال بعضیها آمده‌اند چاپ و پخش کردند و پیش علما بردند که الا و بلا باید سب کرد، همه ادله‌ای سخیف و ضعیف است، نباید سب کرد. بنده وقتی در ایرانشهر تبعید بودم

می‌باشد چه اینکه بایستی این واقعیت مهم را در نظر داشت که کشور ایران به عنوان کشوری متنوع از اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی است و جمعیت انبوهی در ایران در این چارچوب تعریف می‌گردند به همین منظور عدم جرم‌انگاری توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی پتانسیل این را دارد که به نوعی در صورت ارتکاب چنین اقدام مجرمانه و غیراخلاقی از سوی فرد یا افراد خاص زمینه و بستر لازم در جهت سلب امنیت ملی کشور را فراهم سازد. به عبارت بهتر امروزه در جامعه ایرانی ضرورت عدم توهین به اقلیت‌های قومی شاید بیش از سایر اقلیت‌ها احساس شود چه اینکه بخش مهمی از اقلیت‌های قومی از جهت مذهبی نیز مذهب متفاوتی با سایرین دارند و از این رو نظر به جمعیت انبوه ایشان نسبت به اقلیت‌های دینی حساسیت‌ها نسبت به چنین اقوامی بیش از پیش احساس می‌شود. در علوم اجتماعی چند ویژگی مهم برای قوم یا اقوام در نظر گرفته شده است که عبارتند از «نام جمعی، اسطوره مشترک نیاکانی، تاریخ مشترک، فرهنگ مشترک، وابستگی به سرزمین خاص و احساس همبستگی» (Antony smith, ۱۹۹۸، ۴۹) در واقع اقلیت‌های قومی که از جهت مذهبی نیز با مذهب غالب جامعه ایرانی تفاوت دارند همواره موضوع توهین به ایشان با حساسیت‌های خاص و ویژه‌ای همراه بوده است. از سوی دیگر باید در خصوص اقلیت‌های مذهبی چنین گفت که «توهین و هتک حرمت به مقدسات مذهبی ضمن اینکه در هیچ آیین و منطقی قابل توجیه نیست و با حقوق اساسی بشر نیز مغایرت دارد، تأثیر غیرقابل انکاری در ایجاد نفرت و کینه داشته و زمینه‌ساز افراط‌گرایی متقابل و توسل به خشونت است» (توکلی و دیگران، ۱۳۹۴، ۵۱). و همین زمینه‌سازی

از مذاهب اسلامی، خدمت به اردوگاه کفر و شرک و خیانت به اسلام و حرام شرعی است».

۵-۲. چالش‌ها و موانع فراروی جرم‌انگاری توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی

بدیهی است قانونگذار ایرانی در موادی از قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات به جرم‌انگاری رفتار مجرمانه منتهی به توهین و هتک حیثیت برخی از اقلیت‌ها پرداخته است. ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات نخستین مقرر در این خصوص می‌باشد که در آن به جرم انگاری توهین به مقدسات اسلام و یا هریک از انبیای عظام یا اعمه طاهرین علیه السلام یا حضرت صدیقه (س) پرداخته است و در مرحله بعد در یکی از قوانین خاص یعنی ماده ۲۶ قانون اصلاحی مطبوعات در سال ۱۳۷۹ قانونگذار توهین به مقدسات اسلام از طریق مطبوعات را جرم انگاری نموده همچنین باید از ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نام برد (غلامی، ۱۳۹۳، ۱۶) که در آن موضوع مجازات سب النبی آمده است اما مهمترین مقرر در این خصوص ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ است که به صورت فراگیرتر و ملموس‌تر موضوع جرم انگاری توهین به اقوام، ادیان و مقدسات مذهبی را مورد توجه قرار داده است. با این مقدمه به بررسی چالش‌ها و موانع فراروی جرم انگاری توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی می‌پردازیم.

۵-۲-۱. غیر ضروری بودن جرم‌انگاری توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی

یکی از چالش‌هایی موجود در زمینه جرم انگاری توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی موضوع

تقریباً نصف مردم این شهر سنی بودند، بیشتر از نصف هم شیعه بودند، اینها با هم زندگی و معامله می‌کردند وقتی ما به آنجا رفتیم جوانهای سنی هم در نماز ما شرکت می‌کردند و هم پای صحبتهای ما می‌نشستند، تقریب و همزیستی یعنی این، نه اینها سب خلفا می‌کردند نه آنها به اینها اهانت می‌کردند» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۹، ۹۸). همچنین آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به استفتای علمای شیعه منطقه احساء عربستان درباره اهانت به عایشه همسر پیامبر، در ۸ مهر ۱۳۸۹ شمسی چنین فتوا دادند، «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت، از جمله اتهام‌زنی به همسر پیامبر اسلام (ص)، عایشه حرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران و به ویژه سیدالانبیاء پیامبر اعظم حضرت محمد (ص) می‌شود.» همان‌طور که از متن فتوای مقام رهبری به خوبی بر می‌آید ایشان به صورت کلی اهانت به نمادهای برادران اهل سنت را احرام می‌دانند و در مقام تمثیل و مصداق از آنجا که بایستی در خصوص موضوع خاص فتوا می‌دادند به موضوع حرام بودن اهانت و اتهام‌زنی به همسر پیامبر اعظم حضرت محمد (ص) یعنی عایشه پرداخته‌اند و این امر به خوبی گویای سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران در حرمت هرگونه اهانت و توهین به نمادهای اهل سنت می‌باشد. همچنین مقام رهبری در پاسخ به استفتایی که از ایشان حکم اهانت به مقدسات دیگر مذاهب را خواستار است در مورخه ۱۳۹۲/۰۷/۰۲ چنین اشعار می‌دارند، «اینجانب همچون بسیاری از علمای اسلام و دلسوزان امت اسلامی بار دیگر اعلام می‌کنم که هر گفته و عملی که موجب برافروختن آتش اختلاف میان مسلمانان شود و نیز اهانت به مقدسات هریک از گروه‌های مسلمان یا تکفیر یکی

غیرضروری بودن چنین جرم انگاری می‌باشد. «جرم‌انگاری با هدف حمایت از ارزش‌های مورد قبول جامعه و رعایت مصلحت اجتماعی صورت می‌گیرد و سیاست جنایی تقنینی لازم است که برای جرم‌انگاری و خلاف قاعده دانستن رفتارهای افراد انسانی که تا قبل از این فرایند مباح تلقی می‌شدند، توجیهات و توضیحات متناسب با این اقدام خود را ارائه نماید که به دنبال تضمین کدام هدف می‌باشد؛ چرا که در جرم‌انگاری‌ها لازم است که اصل حداقل بودن حقوق کیفری رعایت گردد» (غلامی، ۱۳۹۳، ۱۶). و در همین چارچوب می‌باشد که سیاست جنایی کرامت‌مدار بر ممنوعیت مجازات‌های غیرضروری تأکید می‌نماید. «احترام به حق کرامت ذاتی انسانها مستلزم آن است که در تعیین نوع و میزان مجازات معیار ضرورت مجازات نیز مورد توجه قرار گیرد. کیفری که از مرز ضرورت بیرون رود ستمگرانه است و هر اندازه احترام به کرامت و امنیت مردم مقدس‌تر باشد، کیفرها عادلانه‌تر خواهد بود. استفاده از مجازات زمانی ضرورت پیدا می‌کند که برای دفاع از آزادی و حیثیت دیگران، حفظ نظم عمومی و پیشگیری از بزهکاری و اصلاح بزهکار مفید و مؤثر باشد و از طرف دیگر هیچ راه چاره‌ای جز توسل به ضمانت اجرای کیفری جهت پاسداری از این ارزشها وجود نداشته باشد» (بابایی و نیلی، ۱۳۹۰، ۱۰). به عبارت بهتر شاید باورمندان به چنین دیدگاهی توسعه عناوین مجرمانه همچون توهین به ادیان، اقوام و اقلیت‌های مذهبی را برخلاف اصل حداقلی بودن حقوق کیفری و بویژه مخالف سیاست جنایی کرامت‌مدار و ممنوعیت مجازات‌ها غیرضروری در این خصوص تلقی نمایند. در واقع در این چارچوب فکری هرگونه جرم‌انگاری غیرضروری به عنوان یک

سیاست جنایی ناموفق و برخلاف اصول و مبانی مهم یک نظام کیفری مطلوب به شمار می‌آورد اما به نظر می‌رسد باید پاسخ به چنین دیدگاهی را چنین داد که اولاً جرم‌انگاری زمانی غیرضروری می‌باشد که منطبق با اصول و ارزش‌های بنیادین یک جامعه از جمله آزادی و امنیت ملی و نظم عمومی و... نباشد و ثانیاً، هیچگونه پشتوانه علمی و منطقی در وضع جرم‌انگاری جدید وجود نداشته باشد. این در حالی است که در خصوص جرم‌انگاری مقرر در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و ماده ۲۶ اصلاحی قانون مطبوعات و نیز ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی توجیهات و توضیحات متناسب و کافی وجود دارد بدین نحو که هرگونه توهین و هتک حرمت اقلیت‌های قومی، دینی و مذهبی از آنجا که منجر به نقض آزادی مذهبی و هتک حیثیت و آبروی چنین اقلیت‌هایی می‌گردد بنابراین جرم‌انگاری توهین به چنین گروه‌هایی کاملاً ضرورت می‌یابد مضاف بر اینکه هرگاه چنین اقدام مجرمانه‌ای به قصد ایجاد خشونت و تنش در جامعه انجام گیرد موجبات برهم خوردن نظم عمومی جامعه و امنیت ملی کشور را فراهم خواهد ساخت و از این رو می‌توان به خوبی متوجه گردید که مبانی توجیهی قابل قبولی به منظور جرم‌انگاری توهین بر قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی در چارچوب ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی وجود دارد.

۵-۲-۲. حاکمیت رسمی مذهب تشیع

یکی از چالش‌های دیگر در همین زمینه حاکمیت رسمی مذهب تشیع می‌باشد. «به رسمیت شناختن دین اسلام و مذهب تشیع، آثار حقوقی- سیاسی زیادی را به دنبال دارد. مستفاد از اصول ۱۲ و ۱۳

باشد موجب می‌گردد اولویت دستگاه‌ها و مراجع رسمی جامعه تبعیت و پیروی از الگوی مذهبی و دینی غالب در جامعه باشد و همین امر مجال چندانی برای اجرایی نمودن دقیق و بی‌کم و کاست موادی همچون ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی باقی نمی‌گذارد و از این رو نظام‌های سیاسی که در آن‌ها مذهب و دین خاصی رسمیت دارد همواره با چالش بزرگ و مهمی همچون رعایت و تضمین حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی مواجه می‌باشند.

۵-۲-۳. نقض آزادی بیان

از دیگر چالش‌های مهم می‌توان به موضوع نقض آزادی بیان اشاره نمود. به عبارت دیگر شاید این شایبه به وجود آید که جرم‌انگاری در خصوص توهین به اقوام، ادیان و مقدسات مذهبی زمینه‌ساز ایجاد نقض و نادیده گرفتن آزادی بیان اشخاص گردد چه اینکه یکی از آزادی‌های مسلم هر شهروند حق آزادی بیان می‌باشد. «یکی از مباحث در حوزه محدودیت حق بر آزادیها و تعارض حق‌ها بویژه تراحم آزادی دینی و آزادی بیان، محدود سازی آزادی بیان به سبب توهین به مقدسات دینی و اعتقادی است، نمونه‌های متعددی چون کتاب آیات شیطانی اثر سلمان رشدی، کاریکاتورهای روزنامه دانمارکی، فیلم هلندی تسلیم و آتش زدن قرآن و نیز کتابهای متعددی که در سالهای اخیر در نقد و ایراد بر مذهب و اعتقادات دینی به چاپ رسیده است، بحث امکان ممنوع نمودن توهین به ادیان و کتب آسمانی را دوباره در صحنه داخلی و بین‌المللی نو کرده است و ای سوال را مطرح نموده که آیا آزادی بیان، حق استهزا و توهین به مذاهب را نیز شامل می‌گردد» (ستایش پور، ۱۳۹۹، ۸۲۵). «آزادی عقیده و بیان از یکدیگر جداشدنی

این برداشت به عمل می‌آید که افراد متعلق به اقلیت‌های مذهبی و دینی دیگر که به رسمیت شناخته شده‌اند، تنها در حدود اصول مزبور باید به اعمال حقوق قضایی خود بپردازند. این امر را بدین صورت می‌توان توضیح داد که غیر از موارد مذکور در اصول ۱۲ و ۱۳، سایر موضوعات به حیطة مدنیت احکام دین و شئون اجتماعی مربوط می‌باشد و لازم است اقلیت‌های دینی و مذهبی در موارد خارج از اصول مزبور، برای استواری علقه سیاسی شهروندی، از نظم عمومی و اخلاق حسنه که احکام دینی و مذهب رسمی در آن جای می‌گیرد، تبعیت کنند» (حبیب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۲۹-۱۲۸). «اگرچه رسمیت دین اسلام بماهو اسلام و شیعه جعفری اثنی عشری، فی‌نفسه فاقد اشکال است و حکایت از یک واقعیت تاریخی و اعتقادی و اجتماعی دارد، اما در عین حال نباید از این نکته غافل بود که تأکید این قانون به رسمیت شریعت اسلام و مطابقت کلیه حقوق و آزادیهای مقرر در قانون اساسی با موازین اسلامی، به ویژه در اصل چهارم، می‌تواند زمینه‌ساز برداشت‌هایی از دین و مذهب باشد که خشونت و بی‌مهری و تبعیض و تفاوت را در عمل به ارمغان آورد» (حبیب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵، ۶۴). پیداست مطابق اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حاکمیت رسمی دین اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری مورد شناسایی و پذیرش قانونگذار قرار گرفته است و از همین رو رسمیت مذهب خاص می‌تواند تا حدود زیادی گفتمان حمایت از حقوق اقلیت‌ها را به حاشیه برده و موضوع جرم‌انگاری توهین به آنها در چارچوب ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی را کمرنگ نماید. به عبارت بهتر هنگامی که مذهب یا دین خاصی در جامعه‌ای حاکم

نیستند، آزادی نخست بدین معناست که یک شخص بتواند آن‌گونه که می‌خواهد فکر کند و آزادی دوم آزادی ابراز و برملا کردن عقاید و افکار برای دیگران از راه وسایلی همچون سخن گفتن، رسانه‌ها، مطبوعات، آموزش، نمایش، سیما، رادیو و تلویزیون است. این آزادی‌های دوقلو برای شکوفا شدن هر یک به دیگری نیازمند است» (عباسی، ۱۳۹۰، ۱۵۲). به نظر می‌رسد هرچند حق آزادی بیان یکی از حقوق مسلم هر فرد به شمار می‌رود اما در عین حال باید دانست که اعمال چنین حقی و سایر حقوق بشر به صورت مطلق و بدون ضابطه و معیار و محدودیت امکان‌پذیر نمی‌باشد چه اینکه اعمال مطلق چنین حقوقی موجبات تجاوز و تعدی به سایر حقوق شهروندی افراد فراهم می‌سازد و از همین روست که اسناد و معاهدات حقوق بشری بر ایجاد محدودیت، ضابطه و قیود برای اعمال آزادی بیان تأکید فراوان دارند که عبارتند از، «نخست، محدودیت‌ها باید تابع اصل قانونی باشند؛ یعنی اولاً، محدودیت مورد بحث باید به میزانی براساس حقوق داخلی تنظیم شود؛ ثانیاً، قانون باید به اندازه کافی در دسترس باشد؛ ثالثاً، قانون باید به گونه‌ای صورت‌بندی شده باشد که به اندازه کافی قابلیت پیش‌بینی را برای شهروندان فراهم سازد» (مرکز المامیری، ۱۳۸۳، ۷۶۴). «دوم، اعمال اصل عدم تبعیض یا اصل برابری است. این اصل هرچند در حقوق طبیعی سابقه‌ای طولانی دارد، نخستین بار در عرصه بین‌المللی با تصویب منشور سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد. این اصل اساسی در بند نخست ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تبلور یافته است» (انصاری، ۱۳۸۸، ۱۱۶). از سوی دیگر در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی

حقوق بشر به موضوع ضرورت وضع محدودیت بر آزادی بیان در یک جامعه دموکراتیک تأکید شده است و با جمع این شرایط امکان ایجاد محدودیت بر آزادی بیان مطابق اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری وجود دارد. به نظر می‌رسد ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ باب هرگونه انتقاد و نقد اقوام، ادیان و مذاهب را نبسته است بلکه آنچه در این ماده قانونی با محدودیت مواجه شده است توهین به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی آن هم با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن می‌باشد و مضاف بر اینکه ایجاد چنین محدودیتی با توجه به موقعیت حساس جمهوری اسلامی ایران که از اقوام و اقلیت‌های متنوع و متعدد قومی، دینی و مذهبی برخوردار می‌باشد کاملاً مطابق با موضوع ضرورت وضع محدودیت بر آزادی بیان براساس اسناد و معاهدات حقوق بشری می‌باشد همچنین باید به این موضوع مهم نیز اشاره نمود که توجه بیش از حد به آزادی موجبات تحقق و شکل‌گیری سیاست جنایی آنارشیستی می‌گردد. «این الگو به نوعی به دلیل عدم قبول هرگونه منبع پسینی و یا پیشینی برای چارچوب‌بندی ارزش‌هایی مانند حقوق بشر یا حقوق شهروندی مروج بی‌قانونی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی تلقی خواهد گردد. کرامت انسان در این اندیشه‌ها در اصالت بی‌حد و حصر به آزادی و عدم وابستگی به نظام و یا دولت تفسیر می‌گردد» (فروغی و دیگران، ۱۳۹۷، ۴۴). بنابراین تدوین و شکل‌گیری یک سیاست جنایی متوازن و پویا می‌تواند راهگشای چالش‌ها و مشکلات فراروی یک نظام کیفری باشد، سیاست جنایی که علاوه بر اهمیت دادن به اصل مترقی آزادی به کرامت بشری نیز توجه ویژه و خاصی

داشته باشد در غیر اینصورت نگاه صفر و صدی به موضوع حمایت از اقلیت‌های قومی، دینی و مذهبی نمی‌تواند چندان مؤثر باشد بویژه هنگامی که هدف و غایت فکری پاره‌ای از تحلیل‌گران منحصرأ اصل آزادی و یا نگاه امنیت مدارانه به موضوع باشد و در همین چارچوب می‌توان بر این باور بود که جرم‌انگاری مقرر در ماده ۴۹۹ مکرر الحاقی ۱۳۹۹ نه تنها مغایر با حق آزادی بیان نمی‌باشد بلکه برعکس عاملی مهم در جهت توجه به افکار و عقاید و اندیشه‌های قومی، دینی و مذهبی متنوع و متکثر در جامعه می‌باشد.

۵-۲-۴. سایر موانع و چالش‌ها

به نظر می‌رسد موانع و چالش‌های فراروی جرم انگاری توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی به موارد ذکر شده منحصر نمی‌گردد بلکه آنچه آمد مهمترین چالش‌های فراروی جرم‌انگاری توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی بود اما در این راستا می‌توان به چالش‌های دیگری نیز اشاره نمود که از جمله آنها می‌توان به عدم شفافیت در قانون‌گذاری اشاره نمود. پیداست یکی از ویژگی‌های مهم هر قانونی شفافیت و قابل فهم بودن آن است و این ضرورت بویژه در خصوص قوانین کیفری اهمیت و ضرورت بیشتری دارد. در حوزه جرم‌انگاری مرتبط با توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی و در برخی از مواد مرتبط قانونی چنین چالشی وجود دارد. به عنوان مثال در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات چنین می‌خوانیم، «هرکس به مقدسات اسلام و یا هریک از انبیای عظام یا اعمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب النبی باشد اعدام می

شود و در غیر اینصورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.» در خصوص این ماده و بویژه دو اصطلاح مقدسات اسلامی و انبیای عظام ابهاماتی وجود دارد از جمله اینکه مراد و مقصود از مفهوم مقدسات اسلامی چیست؟ «حقوقدانان کیفری به تبع رویکرد غالب فقها و اندشمندان شیعی تنها به بیان مصادیق توهین به مقدسات اسلامی پرداخته اند که دلیل این امر می‌توان در عدم تعریفی روشن از سوی قانونگذار کیفری ایران دانست» (کوشا، ۱۳۹۴، ۱۳۱). همین ابهام را شاید به شکل پررنگ تری در خصوص مفهوم انبیای عظام در ماده موصوف وجود دارد. از دیدگاه برخی «در مورد انبیای عظام نباید تصور کرد که منظور از آن با توجه به کار رفتن صفت عظام تنها پیامبران بزرگ هستند بلکه در اینجا واژه عظام از حیث تعظیم و تکریم به کار رفته است... بنابراین توهین به هریک از کسانی که به لحاظ اعتقادات اسلامی پیامبر بوده اند مشمول ماده قرار می‌گیرد...» (میر محمد صادقی، ۱۳۸۹، ۴۴۶) این در حالی است که دیدگاه مخالفی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه «انبیای عظام منحصرأ پیامبرانی هستند که نام آنان در قرآن کریم ذکر شده است که قریب یکصد تن خواهند بود» (پیمانی، ۱۳۷۷، ۲۷) از سوی دیگر علاوه بر ماده موصوف بایستی از ماده ۲۶ اصلاحی قانون مطبوعات نام برد که ابهامات مشابهی را قابل مطرح می‌سازد از این رو همچون ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی می‌توان ایراد و اشکال مشابهی بر ماده ۲۶ اصلاحی قانون مطبوعات طرح نمود و چنین به طرح سوال پرداخت که منظور از مقدسات اسلام در این ماده دقیقاً چیست؟ پاسخی که چندان روشن نمی‌باشد. از این رو چنین فرایند قانونگذاری به هیچ وجه شایسته یک نظام کیفری مطلوب نمی‌باشد و

قانون باید شفاف و بدون ابهام بوده و قابل تفسیر نباشد. از سوی دیگر می‌توان به چالش‌های دیگری نیز اشاره نمود از جمله عدم شکل‌گیری رویه قضایی واحد و منسجم و... که جرم‌انگاری در حوزه توهین به اقوام و ادیان و مقدسات مذهبی را با دشواری‌هایی مواجه نموده است.

۶. نتیجه

جرم‌انگاری و کیفرگذاری توهین به مقدسات، ادیان، مذاهب اسلامی و قومیت‌ها در راستای تضمین اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و اصل تسامح و تساهل صورت پذیرفته است. این اصول علاوه بر فضای حقوق بشر، در چهارچوب مبانی فقهی نیز مورد شناسایی قرار گرفته است زیرا اصول مزبور ریشه در مکاتب فطری و حقوق طبیعی دارد. رویکرد قانون-گذار ایرانی تا پیش از سال ۱۳۹۹ به صورت شفاف و در قامت یک اصل کلی و در رستای حمایت بدون تبعیض از همه ادیان، مذاهب و اقلیت‌های قومی نبود؛ بلکه تمرکز اصلی قانون‌گذار بر مذاهب اسلامی و به طور خاص مذهب شیعه بود. در همین راستا، قانون-گذار در چارچوب مواد ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۲۶ قانون اصلاحی مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۲۶۲ فعلی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به جرم‌انگاری توهین علیه برخی از اقلیت‌های دینی پرداخته است. اما با اعمال اصلاحات سال ۱۳۹۹ برخورد تبعیض‌آمیز کمرنگ‌تر و مواضع قانون‌گذار در چهارچوب سیاست جنایی کرامت‌مدار در قامت اصل عمومی مورد شناسایی قرار گرفت. به تعبیری، در سال ۱۳۹۹ و در قالب ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ قانونگذار رویکرد نسبتاً قابل قبول تری

در خصوص اقلیت‌ها اتخاذ نمود به گونه‌ای که توهین به اقلیت‌های قومی و مذهبی را نیز مشمول جرم‌انگاری نمود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که، از جمله مبانی حقوق بشری و فقهی جرم‌انگاری و کیفرگذاری توهین به ادیان، مذاهب، مقدسات و قومیت‌ها، اصل مصلحت عمومی، حمایت از کرامت بشری، حفظ وحدت ملی، حراست از امنیت ملی، سیاست اصولی نظام جمهوری اسلامی ایران است. همچنین از جمله چالش‌های راجع به جرم‌انگاری و کیفرگذاری توهین به ادیان، مقدسات و اقلیت‌ها، نقض آزادی بیان، حاکمیت رسمی مذهب تشیع، غیرضروری بودن جرم‌انگاری و اتخاذ مواضع کیفری نسبت به توهین به ادیان، اقوام و مقدسات مذهبی، و نیز عدم شفافیت در قانون‌گذاری می‌باشد که البته برای چالش‌های مزبور راهکارهایی مطرح گردید. به نظر می‌رسد به منظور برون رفت از موانع و چالش‌های فراروی ماده ۴۹۹ مکرر قانونگذار می‌تواند با اصلاح برخی از قوانین خاص همچون ماده ۲۶ اصلاحی قانون مطبوعات با آوردن سایر اقلیت‌های قومی، دینی و مذهبی شناخته شده در قانون اساسی حمایت روشن‌تر و جامع‌تری از اقلیت‌ها به عمل آورد چه اینکه بخش مهمی از توهین‌هایی که به اقلیت‌های قومی، مذهبی و دینی انجام می‌گیرد از طریق مطبوعات و سایت‌های اینترنتی است. در پایان ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی به نوبه خود چالش‌های عملی از جمله ضرورت شناسایی سوءنیت خاص را مطرح می‌کند. در همین راستا پیشنهاد می‌شود که با حذف این بخش از ماده فوق گام مهمی در ایجاد حس برابری میان اقلیت‌های مذهبی و دینی ایجاد نمود تا تفاوتی از لحاظ جرم‌انگاری توهین به دین اسلام

و مقدسات مذهبی شیعه با سایر مذاهب اسلامی کمتر احساس شود.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

ایران بر آن، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۱، ۱۳۹۵.

— حبیب‌زاده، محمدجعفر، رحیمی‌نژاد، اسمعیل، کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۴، ۱۳۸۶.

— رحیمی‌نژاد، اسماعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.

— ستایش پور، محمد، اعظم خلیلی، توهین به مقدسات از منظر حقوق بشر، فصلنامه بین المللی قانون یار، دوره چهارم، شماره شانزدهم، ۱۳۹۹.

— عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۰.

— عزیزی، ستار، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین الملل، همدان، نشر نور علم، ۱۳۸۵.

— غلامی، حسین، اصل حداقلی بودن حقوق جزا، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.

— فروغی، فضل‌الله، و دیگران، کرامت‌مداری، راهبرد تعادل‌بخش میان امنیت و آزادی در گفتمان سیاست جنایی، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۵، ۱۳۹۷.

— قاری‌سیدفاطمی، محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۸.

— آقا بخشی، علی اکبر، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۹۴.

— اشتراوس، لئو، فلسفه سیاسی چیست؟، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

— انصاری، مریم، بررسی نظام حقوقی آزادی‌های رسانه‌ای در ایران در پرتو اسناد بین‌المللی و چالش‌های فراروی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، ۱۳۸۸.

— بابایی، حسن، نیلی، پرویز، سیاست کیفری کرامت‌مدار، فصلنامه دانش انتظامی کردستان، سال دوم، شماره هشتم، ۱۳۹۰.

— بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، اثرات معکوس اهانت به مقدسات دیگر مذاهب، نشریه فروغ وحدت، سال ششم، شماره بیست و دوم، ۱۳۸۹.

— پیمانی، ضیال‌الدین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۷۷.

— توکلی، فاطمه و دیگران، مبانی دینی و اصولی جرم‌انگاری توهین به مقدسات و چالش‌های فرارو، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره دوم، ۱۳۹۴.

— حبیب‌زاده، فرج‌پور، علی‌اصغر، فرج‌پور اصل مرندي، کرامت انسانی و ابتنای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی

common-wealth, Ecclesiastical and civil Oxford Worlds Classics, London, 1998.

– Antony Smith, the Ethnic source of nationalism survival, vol 35, 1998.

– Swamy Anarayana, international perspective to protect the human rights of religions minorities a critical study journal of humanities and social science, vol 19, issue 2, version iv, 2014.

– قدسی، ابراهیم، مقدسات و توهین به آن در حقوق کیفری ایران، نشریه مطالعات اسلامی فقه و اصول، سال چهل و یکم، شماره پیاپی ۸۳/۱، ۱۳۸۸.

– کوشا، جعفر، احمدزاده، ابوالفضل، توهین به مقدسات دینی به مثابه جرمی علیه امنیت ملی، فصلنامه آفاق امنیت، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، ۱۳۹۴.

– مرکز مالمیری، احمد، محدودیت‌های اعمال حقوق بشر در حقوق داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۶، ۱۳۸۳.

– میر محمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۹.

– نوبهار، رحیم، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی (چشم‌انداز اسلامی)، قم، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، ۱۳۸۹.

– هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، اصول و مبانی کلی نظام، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴.

– هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰.

– Kant, I., Ground work of the metaphysics of morals, translated by Ellington, J. Third ed., US, A, Hackle Publishing Company, 1993.

– Thomas, Hobbes, Leviathan or the Matter, for me, Power of a

